
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۵۴

آیه ۱۴۳

آیه و ترجمه

و لما جاء موسى لميقتنا و كلمه ربه قال رب ارنى انظر اليك قال لن ترئنى و لكن انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف ترئنى فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا و خر موسى صعقا فلما افاق قال سبحنك تبت اليك و انا اول المؤمنين ۱۴۳
ترجمه :

۱۴۳ - و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد پروردگارا خودت را به من نشان ده تا تو را ببینم! گفت: هرگز مرا نخواهی دید، ولی به کوه بنگر اگر در جای خود ثابت ماند مراخواهی دید، اما هنگامی که پروردگارش جلوه بر کوه کرد آنرا همسان زمین قرار داد و موسی مدهوش به زمین افتاد، موقعی که به هوش آمد عرض کرد: خداوندا منزهی تو (از اینکه قابل مشاهده باشی) من به سوی تو بازگشتم و من نخستین مؤمنانم.

تفسیر :

تقاضای مشاهده پروردگار

در این آیات و آیات بعد صحنه عبرت‌انگیز دیگری از صحنه‌های زندگی بنی اسرائیل نشان داده شده است، و آن اینکه جمعی از بنی اسرائیل با اصرار و تاکید از موسی (علیه السلام) خواستند که خدا را مشاهده کنند و اگر او را مشاهده نکنند، هرگز ایمان نخواهند آورد، موسی (علیه السلام) از میان آنها هفتاد نفر را انتخاب کرد و همراه خود به میعادگاه پروردگار برد، در آنجا تقاضای آنها را به درگاه اله

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۵۵

عرضه داشت، پاسخی شنید که همه چیز را برای بنی اسرائیل در این زمینه روشن کرد، قسمتی از این ماجرا در سوره بقره آیه ۵۵ و ۵۶، و قسمتی از آن در سوره نساء آیه ۱۵۳، و قسمت دیگری در آیات مورد بحث و قسمتی هم در آیه

۱۵۵ همین سوره بیان شده است.

در آیات مورد بحث، نخست میگوید: هنگامی که موسی (علیه السلام) به میعادگاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا خود را به من نشان ده تا به تو بنگرم (و لما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک).

ولی به زودی این پاسخ را از پیشگاه پروردگار شنید که هرگز مرا نخواهی دید (قال لن ترانی).

ولی به کوه بنگر، اگر بجای خود ایستاد مرا خواهی دید! (و لکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی).

هنگامی که خداوند بر کوه جلوه کرد آنرا محو و نابود و همسان با زمین نمود! (فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا).

موسی (علیه السلام) از مشاهده این صحنه هولانگیز چنان وحشت زده شده که مدهوش به روی زمین افتاد (و خر موسی صعقا).

و هنگامی که به هوش آمد، عرضه داشت پروردگارا منزهی تو، من به سوی تو باز میگردم و توبه میکنم و من نخستین مؤمنانم (فلما افاق قال سبحانک تبت الیک و انا اول المؤمنین).

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۵۶

نکته‌ها

در این آیه چند نکته است که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱ - چرا موسی تقاضای رؤیت کرد؟

نخستین سؤالی که پیش می‌آید این است، موسی (علیه السلام) که پیامبر بزرگ و اولوا العزم پروردگار بود و به خوبی میدانست، خداوند نه جسم است و نه مکان دارد و نه قابل مشاهده و رؤیت است چگونه چنین درخواستی که حتی در شان افراد عادی نیست از پروردگار کرد؟

گرچه مفسران پاسخهای مختلفی گفته‌اند، ولی روشنترین جواب این است که موسی (علیه السلام) این تقاضا را از زبان قوم کرد، زیرا جمعی از جاهلان بنی اسرائیل اصرار داشتند که باید خدا را ببینند تا ایمان آورند (آیه ۱۵۳ نساء گواه بر این مطلب است) و او از طرف خداماموریت پیدا کرد که این تقاضا را مطرح کند تا همگان پاسخ کافی بشنوند، در حدیثی که در کتاب عیون اخبار

الرضا (علیه السلام) از امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) نقل شده است نیز به این موضوع تصریح شده است.

از قرائن روشنی که این تفسیر را تایید می کند این است که در همین سوره آیه ۱۵۵ میخوانیم که موسی (علیه السلام) پس از این ماجرا عرض کرد: اتهلکنا بما فعل السفهاء منا: آیا ما را به خاطر عملی که سفیهان ما انجام دادند، به هلاکت میرسانی؟ از این جمله روشن می شود که نه تنها موسی چنین تقاضائی را نداشت بلکه شاید هفتاد نفری هم که با او به میعادگاه رفته بودند چنین منطقی نداشتند، آنها تنها افراد دانشمند و نمایندگان بنی اسرائیل بودند، تا مشاهدات خود را برای توده جاهل و بیخبر که پیشنهاد مشاهده پروردگار داشتند بیان کنند.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۵۷

۲ - آیا مشاهده خدا امکانپذیر است!

در آیه فوق میخوانیم که خداوند به موسی (علیه السلام) میگوید به کوه بنگر اگر در جای خود باقی ماند مرا خواهی دید آیا مفهوم این سخن این است که براستی خداوند قابل مشاهده است؟

پاسخ این است که این تعبیر در حقیقت کنایه از محال بودن چنین موضوعی است، همانند جمله حتی یلج الجمل فی سم الخیاط (کافران در بهشت نمیروند مگر آنکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد) و از آنجا که معلوم بوده کوه در برابر جلوه خداوند محال است پایدار بماند، چنین تعبیری ذکر شده است.

۳ - منظور از جلوه خدا چیست؟

مفسران در اینجا گفتگوی بسیار کرده اند، ولی آنچه از مجموع آیات به نظر میرسد این است که خداوند، پرتوی از یکی از مخلوقات خود را بر کوه ظاهر ساخت (و آشکار شدن آثار او به منزله آشکار شدن خود او است) آیا این مخلوق یکی از آیات عظیم الهی بوده که برای ما ناشناخته مانده؟ و یا نمونه ای از نیروی عظیم اتم و یا امواج مرموز و تکاندهنده یا صاعقه ای عظیم و وحشتناک که که بر کوه زد و برقی خیره کننده و صدائی مهیب و وحشتناک و نیروئی عظیم از آن برخاست، آنچنان که کوه به کلی از هم پاشید.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۵۸

گویا خداوند با این کار میخواست دو چیز را به موسی (علیه السلام) و بنی اسرائیل نشان دهد:

نخست اینکه آنها قادر نیستند، پدیده کوچکی از پدیده‌های عظیم جهان خلقت را مشاهده کنند، با این حال چگونه تقاضای مشاهده پروردگار و خالق را میکنند.

دیگر اینکه همانطور که این آیت عظیم الهی با اینکه مخلوقی بیش نبود خودش قابل مشاهده نبود بلکه آثارش یعنی لرزه عظیم، و صدای مهیب او شنیده میشد، اما اصل آن یعنی آن امواج مرموز یا نیروی عظیم، نه با چشم دیده میشد و نه با حواس دیگر قابل درک بود، با این حال آیهی چکس در وجود چنین آیتی میتوانست تردید کند و بگوید چون خودش را نمیبینم و تنها آثارش را میبینم نمیتوانم به آن ایمان بیاورم؟ جایی که درباره یک مخلوق چنین قضاوت کنیم درباره خداوند بزرگ چگونه میتوانیم بگوئیم چون قابل مشاهده نیست به او ایمان نمی‌آوریم با اینکه آثارش همه جا را پر کرده است.

احتمال دیگری در زمینه تفسیر آیه داده شده است و آن اینکه موسی (علیه السلام) برآستی برای خودش تقاضای مشاهده کرد ولی منظور او مشاهده با چشم نبود که لازمه آن جسمیت بوده باشد و با مقام موسی (علیه السلام) سازگار نباشد، بلکه منظور یک نوع ادراک و مشاهده باطنی بوده است، یک شهود کامل روحی و فکری، زیرا بسیار می‌شود که کلمه رؤیت در این معنی به کار میرود، مثلاً میگوئیم: من در خودمان این قدرت را میبینم که این کار را انجام دهیم در حالی که قدرت، چیزی قابل مشاهده‌ای نیست، بلکه منظور این است ما به وضوح این حالت را در خودمان می‌یابیم.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۵۹

موسی (علیه السلام) میخواست به چنین مقامی از شهود و معرفت برسد، در حالی که رسیدن به چنین مقامی در دنیا ممکن نیست، اگر چه در آخرت که عالم شهود و عالم بروز است، امکان دارد.

ولی خداوند در پاسخ موسی (علیه السلام) گفت: چنین رؤیتی هرگز برای تو ممکن نیست و برای اثبات مطلب، جلوه‌ای بر کوه کرد و کوه از هم متلاشی شد، و بالاخره موسی (علیه السلام) از این درخواست توبه نمود.

ولی این تفسیر از جهاتی بر خلاف ظاهر آیه مورد بحث است، و لازمه آن ارتکاب مجاز از چند جهت میباشد به علاوه با بعضی از روایات که در تفسیر آیه نیز وارد شده، سازگار نیست، و حق همان تفسیر اول است.

۴ - موسی (علیه السلام) از چه چیز توبه کرد؟

آخرین سؤالی که در این باره، مطرح می شود این است که موسی (علیه السلام) چرا پس از بهوش آمدن عرضه داشت تبت الیک در حالی که کار خلافی انجام نداده بود چه اینکه اگر این درخواست را از طرف بنی اسرائیل کرده عملی بر طبق ماموریت بوده است و انجام وظیفه نموده، و اگر برای خودش به منظور شهود باطنی سوال کرده، این هم کار خلافی محسوب نمیشود ولی از دو جهت میتوان این سؤال را پاسخ گفت، نخست اینکه موسی (علیه السلام)

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۶۰

به عنوان نمایندگی از بنی اسرائیل چنین درخواستی را کرد و باز در همین مقام و به همین صورت نمایندگی، تقاضای توبه و اظهار ایمان نمود. دیگر اینکه موسی (علیه السلام) اگر چه ماموریت داشت که تقاضای بنی اسرائیل را مطرح کند، ولی به هنگامی که جریان تجلی پروردگار پیش آمد و حقیقت امر آشکار شد، مدت این ماموریت پایان یافته بود، در این موقع باید به حالت نخست، یعنی قبل از ماموریت بازگردد، و ایمان خویش را ابراز دارد تا اشتباهی برای کسی باقی نماند و آن را به صورت توبه و با جمله انی تبت الیک و انا اول المؤمنین بیان فرمود.

۵ - خداوند به هیچوجه قابل رؤیت نیست

این آیه از آیاتی است که به خوبی گواهی می دهد که به هیچ وجه خدا رانمی توان دید زیرا کلمه لن طبق مشهور در میان ادباء برای نفی ابد است، بنابراین جمله لن ترانی مفهومی چنین می شود که نه در این جهان و نه در جهان دیگر مرا نخواهی دید.

و اگر (فرضا) کسی در این موضوع تردید کند که لن برای نفی ابد است، باز اطلاق آیه و اینکه نفی رؤیت بدون هیچ قید و شرطی ذکر شده، دلیل بر این است که در هیچ زمان و در هیچ شرائطی خداوند قابل رؤیت نیست.

دلائل عقلی نیز ما را به همین حقیقت رهنمون میگردد، زیرا رؤیت مخصوص اجسام است، بنابراین اگر در روایات اسلامی یا آیات قرآن تعبیر لقای

پروردگار آمده است، منظور همان مشاهده با چشم دل و دیده خرد است زیرا
قرینه عقلی و نقلی بهترین شاهد برای این موضوع میباشد (در ذیل آیه ۱۰۲
سوره انعام نیز در این زمینه بحثهای دیگری داشتیم).